



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تاریخ

تشکیلات آموزشی ایران در دوره صفویه * *

۳

روش تدریس و کتب درسی

بعد از مطالعه سازمان آموزشگاههای این دوره ، اینک روش تدریس و شیوهٔ تعلیم و تعلم و همچنین مواد و کتب درسی در مکتب و مدرسه را مورد بررسی قرار میدهیم .
ظاهراً از منابع اصلی فارسی کمتر میتوان اطلاعات قابل ذکری دربارهٔ روش تدریس در مراکز درسی بدست آورد . چون بیشتر خصوصیات آموزشی مربوط به مکتب و مدرسه به اندازه‌ای برای تذکره نویسان و مورخان این دوره بدیهی بوده است که بندرت ذکری از نحوهٔ تدریس در این دو واحد آموزشی رفته است .

* کفیل بخش تاریخ دانشکدهٔ ادبیات و علوم
* * با عرض معذرت از خوانندگان محترم ، این مقاله بجای درج در دفتر سوم از سال دوم (آبان ماه ۴۹) در این دفتر منتشر میشود .

در این زمینه نیز نوشته‌های مفید و جالب سیاحان اروپائی منبع و مأخذ اصلی ما را تشکیل خواهند داد. خوشبختانه بیشتر این گزارشات که از روی دقت و کنجکاوی تهیه شده، عملاً از طرف منابع اصلی دیگر تأیید میشوند. در این یادداشت سعی شده است از شرح مشاهدات و بسازندهای این قبیل سیاحان از آموزشگاههای این عصر و اظهار نظرهای شخصی آنان حد اکثر استفاده بعمل آید.

از آنجا که روش تدریس و مواد و کتب درسی در مکتب و مدرسه از نظر کمی و کیفی باهم تفاوت فاحش دارند ما هر یک از این دو واحد آموزشی را بطور جداگانه مورد مطالعه قرار میدهیم. هدف کلی و نهائی مکتب شامل تعلیم قرآن، خواندن و نوشتن و فراگرفتن احکام دینی در یک سطح مقدماتی است در حالیکه در مدرسه مطالعات نسبتاً عمیقی در زمینه علوم ادبی، شرعی و عقلی بعمل میآید.

الف - روش تدریس و کتابهای درسی در مکتب

در این دوره امکان تأسیس مکتب‌خانه برای عموم کسانی که میزان معلوماتشان در حدود خواندن و نوشتن میباشد، فراهم است. گاهی بعضی اشخاص که حتی فاقد صلاحیت اخلاقی هستند (۱) یا احیاناً وضع غیر عادی دارند (۲) اطاق محقری را بنام مکتب‌خانه تهیه کرده و در آنجا به تعلیم اطفال می‌پردازند. سام میرزا صفوی (۱۵۱۷/۹۲۳ - ۱۵۶۷/۹۷۵) در تحفه سامی در شرح حال شاعری بنام «دهقانی تهرانی» می‌نویسد: «... بمکتب‌داری اشتغال مینمود و مرض جوع بر مزاجش غالب بود گویند در سفری آذوقه‌اش آخر شده بود جامه خود می‌خورد...» (۲) بدینجهت است که خانواده‌های اشراف و ثروتمند فرزندان خود را به مکتب‌خانه نمی‌فرستند و «... برای تعلیم فرزندان خود، معلم سرخانه را ترجیح میدهند زیرا عقیده دارند اخلاق کودکان در مکتب زودتر به فساد می‌گراید.» (۳)

۱- ایران در زمان صفویه، ص ۳۹۱ - ۳۹۲

۲- تحفه سامی، ص ۲۸۵

۳- شاردن، ج ۳، ص ۴۱۶

بنظر میرسد که چون تأسیس این مکتب خانه ها مستلزم هیچگونه هزینه‌ای نبوده و حتی در آمد نسبتاً خوبی هم برای معلمین داشته است و از طرفی هیچ سازمانی وجود نداشته است که به وضع کار این واحدهای آموزشی و تربیتی رسیدگی نماید و از آنسوربین خانواده ها شوق آموختن قرآن و احکام و مسائل دینی به اطفال بشدت اوج گرفته بود لذا در این دوره تعداد بیشماری از این قبیل مکتب خانه در شهر و دهات یافت میشدند (۱) که بطور قطع یکی از مهمترین عوامل نشر و تعمیم سواد خواندن و نوشتن و اجرای تعلیمات همگانی بین طبقات مختلف بشمار میروند (۲). معلمین مکتب از کودکان همه ماهه شهریه دریافت میکردند (۳) و این مقرری بستگی به وضع مادی والدین کودک داشت. در شهرهای کوچک و مخصوصاً در دهات این وجه نقد بیشتر بصورت اشیاء جنسی از قبیل نان، برنج، گندم، مرغ و پارچه‌های بافتنی و... پرداخت میشده است.

شاردن فرانسوی در اینمورد اطلاعات مفیدی بدست میدهد و می‌نویسد:

«... معلمین ضمن دریافت شهریه ماهیانه از کودکان، منبع در آمد فراوان دیگری نیز دارند و همانطور که در اروپا روزهای عید و جشن، شاگردان هدایائی برای معلمین خود می‌آورند، در ایران به هنگام آغاز درس یا شروع کتابی جدید، برای معلم مکتب پیشکش و تحفه‌ای می‌برند. این پیشکشی همیشه متناسب با وضع مالی والدین کودک و ارتقاء مقام درسی و علمی طالب علم است. اما گرانبهاترین هدیه هنگامی تقدیم میشود که طفل شروع به تعلیم قرآن میکند و چون آموختن این کتاب که هم از نظر مذهبی و هم از نظر فرا گرفتن علوم ادبی و شرعی حائز کمال اهمیت است و ختم کردن قرآن نیز مدت زیادی بطول می‌کشد از اینرو هنگام شروع هر جزء یا هر سوره نیز هدایائی به شیخ مکتب داده میشود.» (۴) شاردن اضافه میکند:

«... اگر کودکی پیشکش معلم را بموقع نیاورد، معلم او را نه تنبیه میکند و نه از مکتب اخراج می‌سازد ولی همقطاران او را طوری و امیدارد که کودک را آنقدر

۱- شاردن، ج ۴، ص ۲۲۵. الثاریوس، ص ۶۱۳

۲- الثاریوس، همانجا

۳- شاردن، ج ۴، ص ۲۲۵-۲۲۶

۴- همانجا، ص ۲۲۷

ملامت کنند یا با در آوردن شكلك بحدی شکنجه دهند تا بالاخره شرمنده شده و مجبوره آوردن هدیه شود و خود را با جماعت مکتب هم رنگ سازد و چون یکی برای معلم هدیه ای بیاورد، مکتب دار به همه مرخصی می دهد یا از انجام تکالیف آن روز معاف میدارد از این لحاظ تمام شاگردان به آوردن هدیه دلچسبی و علاقه نشان میدهند. »

به عقیده شاردن وجه شهریه مکتب در ایران بسیار ناچیز است و چون بستگی به وضع اقتصادی والدین دارد کلیه طبقات اجتماع میتوانند از عهده پرداخت آن برآیند و هر کس هر قدر که بتواند یا بخواهد، میتواند بپردازد. (۱)

گاهی معلمین مکتب از قریحه های خاصی برخوردار هستند و در سرودن اشعار یا خوشنویسی و یا شرکت در مجالس سوگواری و مصیبت امامان ابراز استعداد میکنند. شاید بتوان گفت با قصیده سرائی در مدح اشخاص یا با کتابت و استنساخ قرآن، احادیث، ادعیه و دواوین شعرا و یا با شرکت در ذکر مصیبت اهل بیت پیغمبر (ص) و نیوحه خوانی استفاده مادی مینمایند و از این طریق منبع عایدی دیگری برای خود فراهم میکنند.

در این جا بذکر چند نمونه از این قبیل مکتب داران که اوقات فراغت خود را به امور ذوقی و یا احیاناً انتفاعی میپرداختند اکتفا میشود.

گروهی از معلمین مکتب در فن شعر گوئی و قواعد نظم تبصر داشتند مثلاً:

« ملاجان کاشی در شعر گفتن قدرت عجیبی داشت چنانکه در یک شب هزار بیت میگفت و در قافیه و عروض و معمار سایل دارد و اوقات به تعلیم اطفال میگذرانند... (۲) » یا « مولانا محمد باقر (از ورنو سفاداران من اعمال اصفهان) ... در فن ترتیب نظم و لغز و معما کمال قدرت داشت و در محل مذکور بمکتب داری مشغول بود ... (۳) »

در همین مکتب خانه ها است که با حفظ اشعار و قرائت دواوین شعرای متقدم، طبع شعر کودکان و تمایل آنان به ذوق آزمائی در نظم و شعر، تحریک میشده است. چنانکه نصر آبادی در تذکره اش باین موضوع اشاره میکند و در شرح احوال شاعری

۱- شاردن، ج ۴، ص ۲۲۶

۲- تحفه سامی، ص ۲۸۴

۳- تذکره نصر آبادی، ص ۴۱۷

«ملاعلی رضا» نام می نویسد : « ... قریب به هفتاد سال دارد ... در مکتب خانسه‌ای بوده که معلمش دیوان ظهیری داشته از خواندن آن طبعش به شعر مایل شده و در نظم قطعه روش قدما دارد صحبتش را نهایت نمک است » (۱) و یا خوشنویسانی که به امر مکتب داری اشتغال داشتند چنانچه « گلشنی کاشانی خطوط راطوری می نویسد و به تعلیم اطفال مشغول است ... » (۲) و نیز «ملاجان کاشی ، خوشنویس بود و خطی اختراع کرد موسوم به «شکسته بسته» ... و اوقات به تعلیم اطفال میگذراند ...» (۳) و همچنین « آیتی اصفهانی، اوقات به مکتب‌داری میگذراند خط نستعلیق را خوب می نویسد ... » (۴) قول شاردن در این خصوص که «عده‌ای از معلمین مکتب از طریق کتابت و نویسندگی نیز در آمدی دریافت می کنند » (۵) میتواند نظر ما را همچنان تأیید نماید .

گاهی برخی از معلمین به هنگام برگزاری مراسم سوگواری ائمه شیعه در تکایا و مساجد شرکت میکردند و با قرائت کتاب روضه الشهداء (۶) به ذکر مصیبت و منقبت اهل بیت رسول خدا (ص) مشغول میشدند از جمله « کاظم‌اصلاح تبریزست امادر کاشان نشو و نما یافته ... معلمی میکند و در ایام عاشورا روضه الشهداء میخواند چنانچه شور عظیمی میشود ... » (۷)

۱- روش تدریس

التاریوس آلمانی که در مدت توقف خود در شهرهای شماخی (شیروان) و

۱- تذکره نصرآبادی، ص ۴۲۷

۲- تحفه سامی، ص ۲۸۵

۳- همانجا، ص ۲۶۱

۴- همانجا، ص ۲۶۱

۵- شاردن، ج ۴، ص ۲۲۶

۶- روضه الشهداء تألیف کمال‌الدین حسین بن علی واعظ کاشفی (متوفی ۹۱۰/۵-۱۵۰۳) از واعظ و خطبای معروف و از نویسندگان کثیرالتألیف و صاحب ابتکار خراسان که اصطلاح روضه خوانی و روضه خوان ظاهرأ از خواندن منتخبات این کتاب در مجالس سوگواری عمومیت یافته است.

۷- تذکره نصرآبادی، ص ۳۷۱

اردبیل مکرر از مراکز درس این شهرها دیدن کرده و باعلاقه خاصی روش آموزشی و تدریسی ایرانیان را مطالعه میکرد در اینمورد مینویسد : «... شاگردان پس از آموختن القاء، ابتدا قرائت و خواندن را با چندسورهٔ منتخب از قرآن آغاز میکنند. معلم در وسط نشسته و کودکان کنار دیوار دور او حلقه زده‌اند و همه با هم به صدای بلند مشغول قرائت قرآن بودند. تنش‌ها همچون نی که با وزش باد به جنبش درآید، از یک سو به سوی دیگر در حرکت بود...» (۱)

لازم به یادآوری است که تعلیم قرآن اصولاً نه تنها جزء برنامه دروس مکتب میباشد بلکه از بر کردن سوره‌های کوچک قرآن نیز مایهٔ انشراح صدر و روشنی قلب است و این توجه خاص کودکان به کتاب دینی آنان جنبه الزامی و عمومی دارد. شهیدثانی در کتاب منیة المرید در باب ترتیب علوم از نظر متعلم می‌نویسد :

«فینبغی ان یشغل فی اول امره بحفظ کتاب الله و تجویده علی الوجه المعبر لیکون مفتاحاً صالحاً و معیناً و ناجحاً و لیستنیر القلب به و یستعد بسببه الی درک باقی العلوم ...» (۲) شایسته است در اولین پایه حفظ کتاب خدا و تجوید او را بر وجه معتبر در نظر بگیرد تا کلید صلاح و یاور هدایت او باشد و دلش بدان وسیله نورانی و آماده برای تحصیل سایر علوم بشود.

سانسون فرانسوی که در فاصله بین سالهای ۱۶۸۳/۱۰۹۴ و ۱۶۹۱/۱۱۰۲-۳ در ایران بسر میبرد در مورد حرکات سروتن به هنگام قرائت قرآن عقیده کاملاً استثنائی دارد و می‌نویسد :

«... شاگردان در حال خواندن قرآن، سر را لاینقطع تکان میدهند تا مباد اسم خدا بر زبان آید و از تکریم و تعظیم آن غفلت شود.» (۳)

Sanson, 211:

«... Ils remueat continuellement la tete en lisant l'Aleoran,

1) Olearius 613-614 : «... Der Lehrmeister Sitzet in der mitten, und die Knaben umb ihn herumb an den Waenden... Sie lesen alle zugleich gar laut einen Text, und wenden sich von einer Seiten zur anderen, gleich wie der Wind das Rohr treibt... »

۲- منیة المرید، ص ۲۴۱

۳- سانسون، ص ۲۱۱

de Peur qu'il leur echappe de Prononcer le Nom de Dieu sans luy faire une inclination de tete. »

وی مطلبی را عنوان میکند که از آن نحوه قرائت قرآن بلحاظ حرمت کتاب بیشتر استنباط میشود تا شیوه تعلیم آن .

بطور کلی میتوان گفت که هم آهنگی حرکات منظم سروتن در موقع قرائت متون درسی ، ناشی از یک عامل روانی است که نه تنها سبب تشدید تمرکز قوای فکری میگردد بلکه هر گونه انحرافات حسی و بدنی را نیز جلوگیری مینماید .

شاردن هم که شخصاً این مراکز درس را در اصفهان مشاهده کرده در این خصوص می نویسد : «... شاگردان دروس خود را با هم در یک زمان و به صدای بلند قرائت میکنند ؛ یکی از الفبا شروع میکند ، دیگری مشغول تهجی حروف است سومی فارسی و چهارمی عربی میخواند ... باز یکی آیه ای از قرآن تلاوت میکند دیگری شعر فارسی و آن دیگر صرف و نحو عربی ... و چون هر کدام به صدای بسیار بلند سخن میگویند معلم مکتب نیز مجبور است خیلی بلند صحبت کند اگر نگوئیم فریاد میکشد . وی در برابر اینهمه هیاهو وقیل وقال کاملاً آرام و خونسرد است و در عین حال که به سئوالات شاگردان پاسخ میدهد و یا اشتباهات آنها را تصحیح می کند در تمام مدت مراقب آنها است که درست بخوانند و به صدای بلند و با توجه و دقت ادامه دهند و خود با خونسردی قابل توجهی مشغول نوشتن و یا خواندن است . » (۱) شاردن پس از توصیف این صحنه درس اضافه میکند : « سرو صدای اطفال در مکتب خانه بقدری گوشخراش است که حتی از بیست قدمی آن میتوان محل آنرا بسهولت تشخیص داد. » (۲) تعداد اطفال در مکتب خانهها متفاوت است و با موقعیت و سابقه و مخصوصاً حسن شهرت معلم مکتب ارتباط فراوان دارد . با وجود این نباید انتظار داشت که این تعداد در هر مکتب از دویست یا سیصد نفر تجاوز نماید چنانکه نصر آبادی در روایت زیر به رقم «دویست کس» در یک مکتب اشاره کرده می نویسد : « ملازمان ناطق تخلص مدتها در محله جماله کله اصفهان معلمی میکرد و قریب دویست کس بمکتب اومی آمدند ... » (۳)

بطور خلاصه آنچه که از شیوه تدریس در مکتب استنباط میشود اینست که کودکان و شاگردان درسین مختلف، با وضع خانوادگی و استعداد های متفاوت در يك محل جمع میشوند و معلم مواد و کتب درسی گوناگون را در يك جلسه و زمان واحد به همه آنها درس میدهد.

از خصوصیات عمده اصلی این قبیل آموزشگاهها، اجرای روش آموزشی «چنددرسی» یا Polydidaktik است که به اقتضای سن و سال، هوش و استعداد باطنی و موقعیت خانوادگی شاگردانی که در يك اطاق درس و در يك زمان معین از يك معلم قصد تحصیل و آموختن دارند، تدریس میگردد.

آنچه که اعجاب و شگفتی سیاحان اروپائی این دوره را در مشاهده روش تدریس و نحوه آموزشی ما برانگیخته است، وجود اینهمه اختلاف در سن و هوش و برنامه و درس و کتاب اطفال در يك اطاق مکتب نیست بلکه از آنهمه فریاد و ضرایب سرسام آور شاگردان و معلم «باهم» است که در فضای مکتب خانه و حتی تا مسافتی دور از آن پیچیده است.

وقتیکه دهها کودک در يك لحظه و زمان به آوای بلند مشغول خواندن و از بر کردن دروس مختلف میشوند و معلم هم با توجه و دقت کافی همه را زیر نظر داشته و به غلطها و سئوالات آنان به صدای رسا پاسخ گوید یا دنباله درس را ادامه دهد پیداست که چه هممه و قیل و قالی بر پا خواهد شد و همین جا است که توجه سیاحان اروپائی دائماً به این نکته معطوف میشود که آیا واقعاً میتوان با این سیستم آموزشی «چنددرسی» Polydidaktik که دروس و کتب مختلف در زمان درسی واحد به صدای بلند از طرف معلم تدریس و به آوای بلند از سوی شاگردان تکرار میشود به پیشرفت امور درسی شاگردان یا به افاده معلم امیدوار بود.

شاردن که در حین توقف چندین ساله اش در اصفهان، باین موضوع توجه فراوان داشته است ظاهراً با بعضی از ایرانیان صاحب نظر در این خصوص مذاکره نموده و می نویسد: «ایرانیها این نوع روش تدریس را معقول و صحیح میدانند و میگویند کودکان دروس خود را بدین نحو و به صدای بلند بیشتر و بهتر یاد میگیرند تا بطریق دیگر و به صدای کوتاه و حتی عقیده دارند که اگر درس به آرامی و به صدای

خفیف تدریس گردد ، شاگرد بجای توجه کردن بدرس ، به چیزهای دیگر می اندیشد و به این سو و آنسو نظر می اندازد و برعکس اگر به صدای بلند و بطور یکنواخت تعلیم شود فرصت انحراف ذهن و فکر و توجه از کودک سلب خواهد شد . بنظر ایرانیها - که يك حقیقت انکارناپذیری است - شاگردان با این روش تدریس به تلفظ صحیح و درست کلمات و فن قرائت و تجوید آشنائی و تسلط کامل پیدا خواهند کرد زیرا ناگزیرند متون درسی را با صدای بلند و رسا و بطور وضوح تلفظ و بیان کنند و در صورت اشتباه یا لغزش مجبور بتکرار خواهند بود.» (۱)

باید اذعان کرد که این نوع روش تدریس تجلی هر گونه غریزه باطنی و درسی و ابراز استعداد را بین کودکان عملاً منحصراً در چهارچوب محفوظات و یا احیاناً تکرار گفته ها و اقوال پیشینیان دانسته و آنانرا از استقلال رأی و تفکر بیشتر در امور درسی و غیر درسی که لازمه رشد شخصیت فردی و اجتماعی است محروم می کند. این همان روش سنتی است که معلم را مجاز میدارد تا فقط آنچه را که وی قابل تعلیم تشخیص میدهد به شاگرد بیاموزد تا او نیز به نوبه خود آنرا به دیگران انتقال دهد.

نا تمام

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی